

Received: 2026/02/03
Accepted: 2026/07/17
Published: 2026/09/23

Representation of Child Laborers in Iranian Social Cinema (A Case Study of *The Runner* and *Sun Children*)

Ali Soltanifar, Master's Student in Public Relations, Industry–Commerce Orientation, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Khashayar Jalili, Master's Student in Radio and Television Journalism, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract

This research is devoted to a comparative analysis of the representation of the phenomenon of child labor in two prominent examples of Iranian social cinema, namely the films *The Runner* (Amir Naderi, 1984) and *Sun Children* (Majid Majidi, 2019). The aim of the study is to examine the narrative, content-based, and social similarities and differences of these works in portraying the issues and challenges of child laborers. The research method is descriptive content analysis with a qualitative approach based on categorization technique. The statistical population included all scenes of the two films, from which 21 relevant scenes were selected through purposive sampling and analyzed according to a coding guideline. The findings indicate that, despite a three-decade time gap, the pattern of representing child laborers in these two works has not changed significantly. The child characters are mainly introduced as hardworking and honest individuals facing problems, but the lack of institutional and social support is prominent in both films. Furthermore, social justice, poverty, exploitation, and deprivation of fundamental rights—such as free education, security, and health—were among the main themes represented. The results of statistical tests show no significant difference between the ways child laborers are portrayed in the two films, and both works emphasize the persistence of the problem and the ineffectiveness of support structures. In conclusion, it can be said that Iranian social cinema has maintained a relatively stable and critical pattern regarding the issue of child laborers over four decades. This representation not only indicates the continuation of a social crisis but also reveals the lack of change in policies and social structures.

Keywords: Child Laborers, *The Runner*, *Sun Children*, Content Analysis, Social Cinema.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۴/۲۶

تاریخ چاپ مقاله: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

علی سلطانی‌فر^۱، خشایار جلیلی^۲

بازنمایی کودکان کار در سینمای اجتماعی ایران (مطالعه‌ی موردی دونه و خورشید)

چکیده

این پژوهش به تحلیل تطبیقی بازنمایی پدیده‌ی کودکان کار در دو نمونه‌ی برجسته از سینمای اجتماعی ایران، یعنی فیلم‌های «دونه» (امیر نادری، ۱۳۶۳) و «خورشید» (مجید مجیدی، ۱۳۹۸) اختصاص دارد. هدف تحقیق، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های روایی، محتوایی و اجتماعی این آثار در نمایش مسایل و چالش‌های کودکان کار است. روش مطالعه، تحلیل محتوای توصیفی با رویکرد کیفی و مبتنی بر تکنیک مقوله‌بندی بوده است. جامعه‌ی آماری شامل تمامی صحنه‌های دو فیلم بوده است که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند، ۲۱ صحنه مرتبط انتخاب و بر مبنای دستورالعمل کدگذاری تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود فاصله‌ی زمانی سه دهه‌ای، الگوی بازنمایی کودکان کار در این دو اثر تغییر معناداری نداشته است. شخصیت‌های کودک بیشتر تلاش‌گر و صادق مواجهه با مشکلات معرفی شده‌اند، اما فقدان حمایت نهادی و اجتماعی در هر دو فیلم برجسته است. همچنین عدالت اجتماعی، فقر، استثمار و محرومیت از حقوق بنیادین آموزش رایگان، امنیت و بهداشت از مضامین اصلی بازنمایی شده بودند. نتایج آزمون‌های آماری بیانگر عدم تفاوت معنادار میان نحوه‌ی مواجهه‌ی کودکان کار در دو فیلم است و هر دو اثر بر استمرار معضل و ناکارآمدی ساختارهای حمایتی تأکید دارند. در نتیجه می‌توان گفت سینمای اجتماعی ایران در قبال مسئله کودکان کار، الگویی به نسبت ثابت و انتقادی را طی چهار دهه حفظ کرده است. این بازنمایی نه تنها بیانگر تداوم بحران اجتماعی است، بلکه فقدان تحول در سیاست‌ها و ساختارهای اجتماعی را نیز آشکار می‌سازد.

واژگان کلیدی: کودکان کار، دونه، خورشید، تحلیل محتوا، سینمای اجتماعی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط عمومی گرایش صنعت - بازرگانی، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: soltanifar.ali.1380@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روزنامه‌نگاری رادیو و تلویزیون، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.

۱-۱ مقدمه و بیان مسئله

کودکان کار یکی از مهم‌ترین گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی به‌شمار می‌روند که در نتیجه فقر، نابرابری، مهاجرت، گسست خانوادگی و ضعف نظام‌های حمایتی، ناچار به ورود زودهنگام به بازار کار می‌شوند. اشتغال کودکان علاوه بر محروم ساختن آنان از فرصت‌های آموزش، سلامت، امنیت و رشد طبیعی، زمینه‌ساز تداوم چرخه فقر و بازتولید آسیب‌های اجتماعی در نسل‌های بعدی است (حسینی، ۱۳۸۴؛ حلفی، ۱۳۸۷؛ حسنی، ۱۳۹۳). از این‌رو، موضوع کودکان کار تنها یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی، فرهنگی و حقوقی است که ابعاد مختلف زندگی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رسانه‌ها، به‌ویژه سینما، نقش مهمی در بازنمایی مسایل اجتماعی و شکل‌دهی به افکار عمومی دارند. سینمای اجتماعی ایران نیز همواره کوشیده است با روایت زندگی گروه‌های فرودست، توجه مخاطبان را به مسایل و نابرابری‌های اجتماعی جلب کند. در این میان، کودکان کار از جمله سوژه‌هایی هستند که فیلم‌سازان ایرانی در دوره‌های مختلف به آن پرداخته‌اند و از خلال روایت‌های سینمایی، ابعاد گوناگون محرومیت، استثمار و تلاش آنان برای بقا را به تصویر کشیده‌اند (رستگار و همکاران، ۱۳۹۸). بازنمایی رسانه‌ای انعکاس واقعیت اجتماعی نیست، بلکه فرایندی انتخابی است که طی آن برخی ابعاد یک مسئله برجسته و برخی دیگر کم‌رنگ می‌شوند. از این‌رو، بررسی نحوه‌ی بازنمایی کودکان کار در آثار سینمایی می‌تواند نشان دهد که سینمای اجتماعی ایران تاچه‌اندازه بر حقوق، نیازها و چالش‌های این گروه تأکید داشته و چه تصویری از آنان به مخاطبان ارائه کرده است.

در میان آثار سینمای اجتماعی ایران، فیلم‌های «دونده» ساخته امیر نادری و «خورشید» ساخته‌ی مجید مجیدی، از شاخص‌ترین آثاری هستند که کودکان کار را در متن روایت خود قرار داده‌اند. با وجود فاصله‌ی زمانی بیش از سه دهه میان تولید این دو فیلم، هر دو اثر به مسایل مشترکی همچون فقر، کار کودک، محرومیت آموزشی، استثمار و نابرابری اجتماعی پرداخته‌اند. همین ویژگی، امکان مطالعه تطبیقی بازنمایی کودکان کار در دو دوره‌ی متفاوت از سینمای اجتماعی ایران را فراهم می‌سازد. مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که اغلب مطالعات انجام‌شده بر بررسی کلی مسایل اجتماعی در سینمای ایران یا تحلیل جداگانه هریک از این فیلم‌ها متمرکز بوده‌اند و پژوهش‌های اندکی به مقایسه‌ی نحوه‌ی بازنمایی حقوق کودکان کار در دو فیلم شاخص از دو دوره‌ی زمانی متفاوت پرداخته‌اند (رستگار، آقابابایی و راسخی، ۱۳۹۸ و سایر پژوهش‌های مرتبط). از این‌رو، خلأ پژوهشی موجود، ضرورت انجام مطالعه حاضر را آشکار می‌سازد.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، تحلیل تطبیقی بازنمایی کودکان کار در فیلم‌های «دونده» و «خورشید» با تمرکز بر حقوق بنیادین کودکان، نحوه‌ی مواجهه آنان با مسایل، نوع روابط اجتماعی، اشکال محرومیت و شیوه‌ی بازنمایی چالش‌های زندگی آنان است. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند درک دقیق‌تری از الگوهای بازنمایی کودکان کار در سینمای اجتماعی ایران ارائه دهد و زمینه را برای تحلیل انتقادی نقش سینما در بازتاب مسایل اجتماعی و حقوق کودکان فراهم سازد.

۲-۱ بیان ضرورت و اهمیت موضوع

تحلیل مسایل اجتماعی در سینمای ایران از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا سینما به‌عنوان یک رسانه تأثیرگذار، نه‌تنها نقش مهمی در بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی ایفا می‌کند، بلکه قادر است تصاویری از دنیای واقعی را که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، به مخاطبان معرفی کند. این نقش رسانه‌ای سینما در جوامع در حال توسعه مانند ایران، می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای برجسته‌سازی نابرابری‌ها و چالش‌های فرهنگی عمل کند و مخاطبان را به تأمل در ساختارهای اجتماعی وادار سازد (نوری راد، ۱۳۹۶). علاوه بر این، سینمای اجتماعی ایران با تمرکز بر مسایل حاشیه‌ای، مانند زندگی کودکان در شرایط دشوار، می‌تواند پلی بین

واقعیت‌های روزمره و سیاست‌گذاری‌های کلان ایجاد کند و به تقویت گفتمان عمومی در مورد اصلاحات اجتماعی کمک کند (سیفی، ۱۴۰۴).

الف) ضرورت و اهمیت نظری

با وجود فیلم‌هایی که به مسایل اجتماعی پرداخته‌اند و پژوهش‌های متعددی که با رویکرد تحلیل محتوا به بررسی این فیلم‌ها همت گمارده‌اند؛ اما همچنان تحلیلی تطبیقی در مورد نحوه‌ی بازنمایی موضوعاتی مانند کودکان کار در سینمای ایران به طور خاص و جامع انجام نشده است. در این راستا، بررسی کودکان کار در سینمای ایران به‌ویژه از منظر تحلیل محتوا، یک حوزه‌ی مهم و نیازمند توجه است. این پدیده نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح جهانی نیز مورد توجه محافل علمی و اجتماعی قرار دارد. برای مثال، رویکردهای نظری مانند دیدگاه آندره بازن در سینمای واقع‌گرایانه، که بر بازنمایی طبیعی و بدون دستکاری واقعیت تأکید دارد، می‌تواند مبنایی برای تحلیل فیلم‌های ایرانی مانند آثار مرتبط با کودکان کار فراهم کند، جایی که سینما نه تنها واقعیت را نشان می‌دهد، بلکه لایه‌های پنهان اجتماعی را آشکار می‌سازد (زهبیان، ۱۴۰۱). همچنین، مطالعات نشانه‌شناختی نشان می‌دهند که بازنمایی کودکان در سینمای ایران اغلب بر جنبه‌های تربیتی و اخلاقی تمرکز دارد، اما نیاز به بررسی تطبیقی برای درک تحولات زمانی در این بازنمایی‌ها احساس می‌شود، زیرا این تحلیل‌ها می‌توانند به غنای نظریه‌های رسانه‌ای در زمینه‌ی مسایل اجتماعی کمک کنند.

ب) ضرورت و اهمیت عملی

کودکان کار یکی از چالش‌های جدی اجتماعی هستند که سینما می‌تواند با بازنمایی آن‌ها به آگاهی‌سازی عمومی کمک کند. این تحقیق با تحلیل نحوه‌ی نمایش این معضل اجتماعی در فیلم‌ها، می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و جلب توجه عموم به این موضوع حساس منجر شود. همچنین، این پژوهش می‌تواند در تشویق سیاست‌گذاران به تدوین سیاست‌های حمایتی و اصلاحات اجتماعی مؤثر باشد. در سطح عملی، سینمای کودک و نوجوان می‌تواند نقش کلیدی در جامعه‌پذیری ایفا کند، جایی که فیلم‌ها با الگوهای سازه‌گرایانه، کودکان را به عنوان کنشگران فعال نشان می‌دهند و به تقویت مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کنند، اما در ایران این ظرفیت اغلب مغفول مانده و نیاز به حمایت‌های نهادی دارد (نوری راد، ۱۳۹۶). با توجه به تأثیرپذیری بالای کودکان از رسانه‌ها، بازنمایی واقع‌گرایانه مسایل مانند کار کودک می‌تواند به پیشگیری از بحران‌های اخلاقی آینده کمک کند و سیاست‌گذاران را به سمت برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای حمایت از کودکان آسیب‌پذیر سوق دهد.

۳-۱ اهداف

با تکیه بر عنوان پژوهش، هدف اصلی این مقاله شناخت نحوه‌ی بازنمایی کودکان کار در سینمای اجتماعی ایران است که به وسیله‌ی مطالعه‌ی دو فیلم «دوند» امیر نادری و «خورشید» مجید مجیدی انجام گرفته است. مطالعه‌ی تطبیقی این دو فیلم و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها در بازنمایی کودکان کار نیز مورد توجه واقع شده است.

۲- تدارک نظری

۱-۲ چارچوب مفهومی

مطابق اسناد بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک، تمام کودکان بدون هیچ‌گونه تبعیض از مجموعه‌ای

از حقوق بنیادین برخوردار هستند که دولت‌ها و نهادهای اجتماعی موظف به تضمین تحقق آن‌ها هستند. این حقوق تنها جنبه حقوقی ندارند، بلکه شاخصی برای ارزیابی کیفیت زندگی کودکان و میزان حمایت اجتماعی از آنان محسوب می‌شوند. کودکان کار به دلیل شرایط اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی، بیش از سایر کودکان در معرض نقض این حقوق قرار دارند. از این رو، بررسی نحوه بازنمایی این حقوق در آثار سینمایی می‌تواند نشان دهد که سینما تا چه اندازه به ابعاد مختلف محرومیت آنان پرداخته است (حسینی، ۱۳۸۴؛ حلفی، ۱۳۸۷؛ حسینی، ۱۳۹۳).

در پژوهش حاضر، حقوق بنیادین کودکان به عنوان چارچوب اصلی تحلیل فیلم‌های «دونده» و «خورشید» در نظر گرفته شده است. بر این اساس، تحلیل فیلم‌ها بر پنج محور اصلی استوار است:

حق آموزش: برخورداری از آموزش رایگان و فرصت برابر برای یادگیری از اساسی‌ترین حقوق هر کودک است. اشتغال زودهنگام کودکان با محرومیت از تحصیل، افت آموزشی و کاهش فرصت‌های رشد فردی همراه است.

حق امنیت و حمایت اجتماعی: کودکان حق دارند در محیطی امن، عاری از خشونت، استثمار و ناامنی زندگی کنند و از حمایت خانواده، جامعه و نهادهای مسئول برخوردار باشند.

حق تفریح و بازی: بازی و اوقات فراغت بخشی از فرایند رشد جسمی، شناختی و اجتماعی کودک محسوب می‌شود و محرومیت از آن یکی از پیامدهای مهم کار کودک است.

حق سلامت، بهداشت و تغذیه مناسب: برخورداری از سلامت جسمی و روانی، تغذیه مناسب و خدمات درمانی از دیگر حقوق بنیادین کودکان است که در بسیاری از کودکان کار با محدودیت روبه‌رو می‌شود.

حق مصونیت از استثمار و بهره‌کشی: مهم‌ترین حقی که در موضوع کودکان کار مطرح می‌شود، مصونیت از هرگونه بهره‌کشی اقتصادی، سوءاستفاده و کار زیان‌آور است. این حق در کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی مورد تأکید ویژه قرار گرفته است.

با توجه به این چارچوب، پژوهش حاضر می‌کوشد نشان دهد که دو فیلم «دونده» و «خورشید» هریک چگونه این حقوق را بازنمایی کرده‌اند، چه ابعادی از محرومیت کودکان را برجسته ساخته‌اند و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد. بر همین اساس، یافته‌های پژوهش نیز به جای توصیف صرف متغیرها و جداول، با تمرکز بر این پنج حق بنیادین سازمان‌دهی و تفسیر خواهند شد.

۲-۲ چارچوب نظری

سینمای ایران از زمان پیدایش تاکنون، مسایل اجتماعی را به طور مداوم به نمایش گذاشته است (رستگار و همکاران، ۱۳۹۸). رابطه‌ی میان رسانه و جامعه از جهات مختلفی قابل توصیف و تبیین است.

نظریه‌ی مسئولیت اجتماعی: بنابراین نظریه، رسانه‌ها وظایف و مسئولیت‌هایی اجتماعی دارند که متعهد به تحقق بخشیدن به آن‌ها هستند. همان‌گونه که رسانه‌ها حق دارند از دولت و سایر نهادها انتقاد کنند، مسئولیتی نیز در قبال مصالح و منافع ملی و پاسخ به نیازهای جامعه دارند (مهدی‌زاده، ۱۴۰۲). مدافعان نظریه‌ی مسئولیت اجتماعی معتقدند که تحقق این نظریه باعث می‌شود که بین سه اصل به‌ظاهر ناسازگار آزادی فردی و آزادی رسانه‌ها از یک سو و تعهد رسانه‌ها در برابر جامعه از سوی دیگر، سازگاری ایجاد گردد (معتدنزاد، ۱۳۸۶).

نظریه‌ی برجسته‌سازی: نظریه‌ی برجسته‌سازی مدعی تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوعات و رویدادها در قالب خبر و گزارش خبری {و فیلم و سینما} است (مهدی‌زاده، ۱۴۰۲). بنابراین نظریه، رسانه‌ها با پرداختن به موضوعی خاص و آرایه‌ی آن می‌توانند به نگرش مخاطبان جهت بدهند. مطبوعات بعضی از موضوعات و رویدادها را مهم و بااهمیت جلوه می‌دهند و آن‌ها را بارز و برجسته می‌سازند (مهدی‌زاده، ۱۴۰۲).

سینما به عنوان یکی از رسانه‌های اثرگذار وظیفه دارد واقعیت‌های پنهان جامعه را با صداقت و شفافیت

بازنمایی کند و به نوعی به تعهد اجتماعی خود پایبند باشد. از طرفی دیگر، سینما به واسطه‌ی رسانه‌ای دیداری-شنیداری می‌تواند با انتخاب سوژه‌ها و شیوه‌های روایت، موضوع را برجسته کند و بر مخاطبان اثر بگذارد. دو فیلم «دونده» و «خورشید» با برجسته‌سازی زندگی کودکان کار، مخاطبان را نسبت به ابعاد مختلف انسانی، اجتماعی و نهادی این موضوع آگاه ساختند و مسایل و مشکلات این قشر آسیب‌پذیر جامعه را بازنمایاندند.

۲-۳ مرور پیشینه

با جست‌وجو در پایگاه‌های الکترونیکی مانند SID، سیویلیکا، پورتال جامع علوم انسانی، علم‌نت، نورمگز و Google Scholar، پژوهش‌های مختلفی یافت شد که به مطالعه‌ی موضوعات اجتماعی در سینمای ایران یا سینمای درام اجتماعی پرداخته بودند که از میان آن‌ها می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

محمد رضایی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «بازنمایی طبقه و مناسبات طبقاتی در سینمای ایران: مطالعه‌ی موردی فیلم جدایی نادر از سیمین»، تلاش کرده است تا طبقه و مناسبات طبقاتی را در این فیلم با رویکرد بازنمایی و روش نشانه‌شناسی تحلیل و بررسی کند. آن‌ها دریافته‌اند که طبقات متوسط و فرودست در این فیلم بازنمایی شده و علاوه‌بر بازنمایی این طبقات، شکاف‌های عمیق موجود در جامعه‌ی ایرانی را به عنوان بازتولیدکننده‌ی تمایزات طبقاتی بازشناخته است.

رستگار و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی مسایل اجتماعی در سینمای پس از انقلاب اسلامی ایران»، ضمن پرداختن به چگونگی بازنمایی مسایل اجتماعی در سینمای پرمخاطب پس از انقلاب، به دوره‌بندی موضوعی بازنمایی مسایل اجتماعی در سینمای پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.

نقیب‌السادات و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ی «روایتگری قتل‌های سریالی در فیلم‌های سینمای ایران» به مطالعه‌ی فیلم‌های سینمایی «عنکبوت» و «طلاخون» پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که فیلم‌ها کلیشه‌های درباره‌ی قاتلان سریالی، تقویت یا تضعیف کرده‌اند و با کم‌اهمیت جلوه دادن قربانیان قتل‌ها و تمرکز بر روی وجوه عاطفی قاتلان سریالی به نوعی از آن‌ها سلبریتی‌سازی می‌کنند (نقیب‌السادات و همکاران، ۱۴۰۳).

پس از جست‌وجو در پایگاه‌های الکترونیکی ذکر شده، مشخص شد که درباره‌ی موضوع کودکان کار در سینمای ایران تحقیقات کمی انجام گرفته است. تنها مقاله‌ی مرتبط یافت شده، پژوهش مهدی کشاورز افشار و سمیه ایرانی (۱۴۰۲) است که در مقاله‌ی «کودکان کار از نگاه سینما (مطالعه‌ی موردی: فیلم خورشید)» دریافته‌اند که این اثر، سرچشمه‌ی ایجاد آسیب‌های اجتماعی را فقر معرفی می‌کند و فقر را در وضعیت کودکان کار، عاملی ریشه‌ای می‌داند.

۲-۴ سؤالات

۱. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در بازنمایی کودکان کار در فیلم‌های سینمایی مورد بررسی وجود دارد؟
۲. نحوه‌ی مواجهه‌ی کودکان کار با چالش‌ها و مشکلات در فیلم‌های سینمایی مورد بررسی چگونه است؟
۳. چه رابطه‌ای میان زبان کودکان کار و نوع بروز خشونت آن‌ها وجود دارد؟
۴. آیا اولویت‌های اجتماعی با نوع حقوقی که کودکان کار از آن محروم شده‌اند، رابطه‌ای دارند؟

۳- روش‌شناسی

۳-۱ روش و تکنیک تحقیق

این پژوهش به روش تحلیل محتوا توصیفی که یک روش کیفی است، انجام گرفته است. تحلیل محتوا، تحلیل

سیستماتیک و نظام‌مندی است که در آن متن بر اساس متغیرهایی که دارای ارزش عددی هستند، سنجیده می‌شود (نقیب‌السادات و شریفی، ۱۳۹۹). در این روش، با استفاده از دستورالعمل کدگذاری، که در پیوست مقاله ارایه شده است، به بررسی فیلم‌های مورد بررسی پرداخته شده است.

در روش تحلیل محتوای توصیفی، بر اساس تعریف برلسون و لازارسفلد ساخته شده و یک شکل از روش تحلیل محتوای بعد از وقوع است؛ یعنی توصیف کمی و مبتنی بر مقوله‌های شناسایی شده محتوای بارز یک پیام (نقیب‌السادات، ۱۳۹۱). تکنیک مورد استفاده در این پژوهش، تکنیک مقوله‌ای به‌شمار می‌رود. این تکنیک مبتنی بر مقوله‌های ساخته شده از محتوا صورت می‌گیرد و تحلیل انجام شده پیام، شرحی از محتوا بر اساس مقوله‌ها است (نقیب‌السادات، ۱۳۹۱).

واحد تحلیل

واحد تحلیل که بخش خاصی از محتوا است که مورد تحلیل قرار می‌گیرد و از یک تحلیل به تحلیل دیگر متفاوت است (نقیب‌السادات و شریفی، ۱۳۹۹). در این پژوهش واحد تحلیل، صحنه است.

۳-۲ جامعه و نمونه‌ی تحقیق

با توجه به واحد تحلیل این پژوهش، جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را تمام صحنه‌های دو فیلم سینمایی «دونده» و «خورشید» تشکیل می‌دهند که فیلم سینمایی «دونده»، ۴۵ صحنه و فیلم سینمایی «خورشید»، ۵۵ صحنه را شامل می‌شود. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند منظم استفاده شده است که طی این فرایند، از میان صحنه‌های هر فیلم، که ارتباط مستقیم با موضوع مورد بررسی این پژوهش، کودکان کار دارد، به‌صورت منظم گزینش شده و بر اساس دستورالعمل کدگذاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که از هر فیلم، تعداد ۲۱ صحنه به‌عنوان نمونه انتخاب شده است و فرایند نمونه‌گیری تا زمان اشباع نمونه ادامه یافته است.

۳-۳ تکنیک‌های آماری

در این پژوهش برای توصیف و تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های آمار توصیفی مانند میانگین و توزیع فراوانی‌ها استفاده شده است. فنون آماری توصیفی مبتنی بر محاسبات درصدی بوده و در جداول مربوطه ارایه شده است.

اعتبارسنجی فرایند جمع‌آوری اطلاعات، یکی از عناصر کلیدی در پژوهش است (نقیب‌السادات، ۱۴۰۳). به همین دلیل، برای سنجش ضریب قابلیت اعتماد، دستورالعمل عمل کدگذاری توسط ۲ کدگذار انجام گرفته و با استفاده از فرمول اسکات، میزان توافق کدگذاری دو کدگذار سنجیده شده است که میزان توافق ۸۸٪ میان دو کدگذار، اعتبار دستورالعمل کدگذاری را نشان می‌دهد. همچنین در تحلیل‌های آماری از آزمون خی دو (کای اسکوئر) استفاده شده است تا روابط میان تعدادی از مقوله‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند.

۴- یافته‌ها

۴-۱ معرفی فیلم‌های مورد مطالعه

به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، دو فیلم «دونده» و «خورشید» بر اساس شاخص‌های استخراج شده از کنوانسیون حقوق کودک و مقوله‌های حاصل از تحلیل محتوا مورد بررسی تطبیقی قرار گرفتند. یافته‌ها بر اساس مهم‌ترین حقوق بنیادین کودکان سازمان‌دهی شده‌اند تا امکان تحلیل عمیق‌تر شباهت‌ها

و تفاوت‌های دو فیلم فراهم شود.

فیلم «دونده» ساخته امیر نادری، روایتگر زندگی امیرو، نوجوانی است که در شرایط دشوار اقتصادی و بدون برخورداری از حمایت کافی، از طریق انجام مشاغل مختلف برای تأمین معاش تلاش می‌کند. اگرچه فقر و محرومیت بخش جدایی‌ناپذیر زندگی او است، اما فیلم با تأکید بر انگیزه، پشتکار و علاقه شخصیت اصلی به یادگیری، آموزش را به عنوان مهم‌ترین مسیر تغییر سرنوشت و خروج از چرخه فقر معرفی می‌کند. از این منظر، «دونده» علاوه بر نمایش واقعیت‌های زندگی کودکان کار، ظرفیت‌های فردی آنان برای غلبه بر محدودیت‌های اجتماعی را نیز برجسته می‌سازد.

در مقابل، فیلم «خورشید» ساخته مجید مجیدی، روایت زندگی علی و سه کودک کار دیگر است که برای دستیابی به گنجی پنهان وارد مدرسه‌ای ویژه کودکان کار و کودکان مهاجر می‌شوند. روایت فیلم ضمن نمایش مشکلات اقتصادی، مهاجرت، فقدان حمایت اجتماعی و فعالیت شبکه‌های غیرقانونی، بر نقش آموزش، همبستگی اجتماعی و مداخلات حمایتی در بهبود وضعیت کودکان تأکید دارد. در این فیلم، مدرسه فقط یک فضای آموزشی نیست، بلکه بستری برای بازگشت کودکان به زندگی اجتماعی و آشکار شدن استعدادهای آنان محسوب می‌شود.

اگرچه میان تولید دو فیلم بیش از سه دهه فاصله زمانی وجود دارد، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو اثر دغدغه‌ای مشترک در بازنمایی وضعیت کودکان کار دارند. هر دو فیلم، فقر، نابرابری اجتماعی، محرومیت از حقوق اساسی و ضعف حمایت‌های نهادی را از مهم‌ترین عوامل تداوم کار کودک معرفی می‌کنند. با این حال، تفاوت اصلی آن‌ها در شیوه‌ی روایت این مسایل است؛ به گونه‌ای که «دونده» بیشتر بر تلاش فردی کودک برای تغییر شرایط زندگی تمرکز دارد، در حالی که «خورشید» علاوه بر تلاش فردی، نقش ساختارهای اجتماعی، آموزشی و حمایتی را نیز در سرنوشت کودکان برجسته می‌سازد. بر همین اساس، یافته‌های پژوهش در ادامه بر مبنای پنج حق بنیادین کودکان شامل حق آموزش، حق امنیت و حمایت اجتماعی، حق رشد و روابط اجتماعی، حق مصونیت از استثمار و بهره‌کشی و سایر حقوق بنیادین کودکان ارایه و تحلیل می‌شود.

۲-۴. بازنمایی حق آموزش

حق آموزش یکی از بنیادی‌ترین حقوق کودکان است که در کنوانسیون حقوق کودک نیز بر دسترسی برابر تمام کودکان به آموزش باکیفیت و بدون تبعیض تأکید شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو فیلم «دونده» و «خورشید» آموزش را مهم‌ترین عامل تغییر سرنوشت کودکان کار معرفی می‌کنند، اما شیوه‌ی بازنمایی این حق در دو اثر متفاوت است.

در فیلم «دونده»، آموزش بیشتر به عنوان نتیجه‌ی اراده، پشتکار و تلاش فردی شخصیت اصلی بازنمایی می‌شود. امیرو با وجود اشتغال مداوم، فقر اقتصادی و نبود حمایت خانوادگی، تلاش می‌کند خواندن و نوشتن را بیاموزد و از طریق آموزش، آینده متفاوتی برای خود رقم بزند. در این فیلم، مدرسه فقط محل یادگیری نیست، بلکه نمادی از امید، پیشرفت و امکان‌رهایی از چرخه فقر و محرومیت محسوب می‌شود.

در مقابل، فیلم «خورشید» آموزش را در بستری اجتماعی‌تر به تصویر می‌کشد. ورود کودکان کار به مدرسه، علاوه بر فراهم کردن امکان یادگیری، بستری برای ایجاد روابط اجتماعی، کشف استعدادها و تجربه‌ی حمایت‌های آموزشی فراهم می‌آورد. با این حال، روایت فیلم نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی، مسئولیت تأمین معاش، مهاجرت و ضعف حمایت‌های اجتماعی همچنان موانعی جدی بر سر راه استمرار تحصیل این کودکان هستند. بنابراین، فیلم «خورشید» بیش از آنکه بر مسئولیت فردی کودک تأکید کند، محدودیت‌های ساختاری تحقق حق آموزش را مورد توجه قرار می‌دهد.

نتایج تحلیل محتوای پژوهش نیز این برداشت را تأیید می‌کند. بررسی مقوله‌های کدگذاری شده، نشان می‌دهد که آموزش در هر دو فیلم یکی از پرتکرارترین مضامین روایت است و در بخش قابل توجهی از صحنه‌ها، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با تلاش کودکان برای تغییر وضعیت زندگی، افزایش آگاهی و دستیابی به آینده‌ای بهتر پیوند خورده است. همچنین، آموزش در هر دو فیلم نه به‌عنوان یک امتیاز، بلکه به‌عنوان حقی اساسی معرفی می‌شود که کودکان کار به‌دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی از آن محروم شده‌اند.

جدول ۱. فراوانی بازنمایی حقوق بنیادین کودکان در دو فیلم

فراوانی	درصد	درصد تجمعی	
۹	۲۱,۴	۲۱,۴	حق امنیت
۹	۲۱,۴	۴۲,۹	حق آموزش رایگان
۷	۱۶,۷	۵۹,۵	حق تفریح
۱	۲,۴	۶۱,۹	حق بهداشت و تغذیه مناسب
۱۰	۲۳,۸	۸۵,۷	حق مصونیت از استثمار
۶	۱۴,۳	۱۰۰,۰	سایر حقوق
۴۲	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	جمع کل

همان‌گونه که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، حق آموزش از جمله حقوقی است که در هر دو فیلم به‌صورت پررنگ بازنمایی شده است. این یافته بیانگر آن است که فیلم‌سازان آموزش را مهم‌ترین ابزار توانمندسازی کودکان کار و خروج آنان از چرخه فقر و نابرابری می‌دانند. در عین حال، هر دو اثر نشان می‌دهند که تحقق این حق، تنها با انگیزه‌ی فردی امکان‌پذیر نیست و نیازمند حمایت خانواده، مدرسه، نهادهای اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های حمایتی است. در مجموع، تحلیل تطبیقی دو فیلم نشان می‌دهد که اگرچه «دونده» و «خورشید» از نظر زمان تولید، سبک روایت و شرایط اجتماعی تفاوت‌های قابل توجهی دارند، اما هر دو در بازنمایی حق آموزش بر یک نکته مشترک تأکید می‌کنند؛ اینکه آموزش مؤثرترین راهکار برای شکستن چرخه‌ی کار کودک و فراهم کردن فرصت رشد، مشارکت اجتماعی و دستیابی به آینده‌ای بهتر است. از این منظر، محرومیت از آموزش نه تنها نقض یکی از حقوق بنیادین کودک، بلکه عاملی برای تداوم سایر اشکال محرومیت و نابرابری اجتماعی نیز محسوب می‌شود.

۳-۴. بازنمایی حق امنیت و حمایت اجتماعی

حق برخورداری از امنیت و حمایت اجتماعی از مهم‌ترین حقوق بنیادین کودکان است که تحقق آن، زمینه‌ی رشد، آموزش و سلامت کودکان را فراهم می‌سازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو فیلم «دونده» و «خورشید» تصویری از کودکانی ارائه می‌کنند که به‌دلیل فقر، نابرابری اجتماعی و ضعف حمایت‌های نهادی، از این حق اساسی محروم مانده‌اند. با وجود تفاوت‌های زمانی و روایی دو اثر، هر دو فیلم بر این نکته تأکید دارند که کار کودک نتیجه انتخاب فردی نیست، بلکه پیامد شرایط اقتصادی و اجتماعی و ناکارآمدی نظام‌های حمایتی است.

تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که شخصیت‌های اصلی هر دو فیلم بیشتر کودکانی هستند که استقلال اجباری را در سنین پایین تجربه می‌کنند و بخش مهمی از مسئولیت تأمین معاش خود را برعهده

دارند. حضور پررنگ کودکان مستقل از خانواده و کودکان خیابانی در هر دو فیلم بیانگر آن است که فیلم‌سازان تلاش کرده‌اند آسیب‌پذیرترین گروه کودکان کار را به تصویر بکشند؛ کودکانی که علاوه بر مشکلات اقتصادی، از حمایت پایدار خانواده نیز محروم هستند و ناچارند برای ادامه زندگی به توانایی‌های فردی خود متکی باشند. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که در بخش عمده‌ای از روایت، کودکان از حمایت مؤثر خانواده، جامعه و نهادهای مسئول برخوردار نیستند. نبود حمایت اجتماعی، یکی از مضامین مشترک هر دو فیلم است و در بسیاری از صحنه‌ها، کودکان برای حل مشکلات خود ناچار به تصمیم‌گیری و اقدام مستقل هستند. حتی در مواردی که نهادهای آموزشی یا اجتماعی در روایت حضور دارند، نقش آنان محدود، مقطعی و کمتر اثرگذار است. این وضعیت نشان می‌دهد که فیلم‌ها بیش از آنکه بر مداخلات حمایتی تأکید کنند، ضعف ساختارهای حمایت از کودکان کار را به نقد می‌کشند.

بررسی روابط اجتماعی کودکان نیز نشان می‌دهد که شخصیت‌های اصلی، باوجود تجربه‌ی فقر و محرومیت، اغلب رویکردی مسئولانه و تلاشگرانه در مواجهه با مشکلات دارند. آنان در بیشتر موقعیت‌ها برای حفظ کرامت فردی، تأمین معاش و دستیابی به آینده‌ای بهتر تلاش می‌کنند و رفتارهای منفعلانه یا پرخاشگرانه سهم کمتری در روایت دارد. همچنین روابط میان کودکان و اطرافیان بیشتر بر پایه همکاری، اعتماد و همدلی شکل گرفته است و موارد فریبکاری یا سوءاستفاده از سوی خود کودکان کمتر مشاهده می‌شود. این ویژگی سبب شده است که هر دو فیلم از بازتولید کلیشه‌های رایج درباره کودکان کار فاصله بگیرند و آنان را قربانی شرایط اجتماعی، نه عامل ایجاد آسیب‌های اجتماعی، معرفی کنند.

در زمینه‌ی بازنمایی خشونت نیز نتایج پژوهش حاکی از آن است که در بخش قابل توجهی از صحنه‌ها، کودکان رفتار خشونت‌آمیزی از خود بروز نمی‌دهند و موارد محدود خشونت مشاهده‌شده نیز واکنشی به فشارهای محیطی، فقر، تبعیض و ناامنی اجتماعی است. این یافته نشان می‌دهد که فیلم‌ها تلاش کرده‌اند منشأ خشونت را در ساختارهای اجتماعی و شرایط نامناسب زندگی کودکان جست‌وجو کنند، نه در ویژگی‌های شخصیتی آنان.

در مقایسه دو فیلم، تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود. در فیلم «دونده»، ناامنی بیشتر در قالب فقر، بی‌سرپرستی، اشتغال زود هنگام و تلاش فردی برای بقا بازنمایی می‌شود، درحالی‌که فیلم «خورشید» علاوه بر این موارد، مشکلات ناشی از مهاجرت، فعالیت شبکه‌های غیرقانونی، ضعف حمایت‌های آموزشی و اجتماعی و نابرابری‌های ساختاری را نیز برجسته می‌سازد. بنابراین، اگرچه هر دو فیلم به مسئله کار کودک می‌پردازند، اما «خورشید» تصویری پیچیده‌تر از ابعاد اجتماعی و نهادی نقض حق امنیت و حمایت اجتماعی ارائه می‌دهد. در مجموع، یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که حق امنیت و حمایت اجتماعی در هر دو فیلم به طور گسترده با چالش مواجه است. کودکان کار نه تنها از امنیت اقتصادی و خانوادگی کافی برخوردار نیستند، بلکه دسترسی محدودی به حمایت‌های اجتماعی، آموزشی و نهادی دارند. از این رو، هر دو فیلم با نگاهی انتقادی، بر ضرورت تقویت نظام‌های حمایتی و فراهم ساختن شرایطی تأکید می‌کنند که کودکان بتوانند بدون تحمل فشارهای اقتصادی و اجتماعی، از حقوق بنیادین خود بهره‌مند شوند.

۴-۴. بازنمایی حق مصونیت از استثمار و بهره‌کشی

یکی از اساسی‌ترین حقوق کودکان، مصونیت از هرگونه استثمار اقتصادی و بهره‌کشی است. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، هیچ کودکی نباید در شرایطی قرار گیرد که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا روند رشد طبیعی او در نتیجه اشتغال یا فعالیت‌های اقتصادی به خطر افتد. با این حال، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در هر دو فیلم «دونده» و «خورشید»، استثمار اقتصادی نه یک رخداد استثنایی، بلکه

بخشی از تجربه‌ی روزمره‌ی کودکان است و به عنوان مهم‌ترین عامل نقض سایر حقوق آنان نیز عمل می‌کند. در فیلم «دونده»، امیرو از سنین پایین برای تأمین نیازهای اولیه زندگی ناچار به انجام مشاغل مختلف است. کار برای او انتخابی آگاهانه نیست، بلکه راهکاری برای بقا در شرایط فقر و محرومیت محسوب می‌شود. با وجود آنکه شخصیت اصلی تلاش می‌کند استقلال خود را حفظ کند، اما اشتغال مداوم فرصت بهره‌مندی از بسیاری از حقوق دوران کودکی، ازجمله آموزش، بازی، امنیت و آرامش روانی را از او سلب کرده است. از این منظر، فیلم «دونده» استثمار کودک را نتیجه‌ی مستقیم فقر و نبود حمایت‌های اجتماعی معرفی می‌کند. در فیلم «خورشید» نیز کودکان برای تأمین معاش خود یا خانواده ناچار به انجام کار هستند، اما روایت فیلم ابعاد پیچیده‌تری از بهره‌کشی را به تصویر می‌کشد. کودکان علاوه بر اشتغال، در معرض سوءاستفاده افراد سودجو و شبکه‌های غیرقانونی قرار می‌گیرند و همین مسئله آنان را با مخاطرات جسمی، روانی و اجتماعی بیشتری مواجه می‌سازد. در این فیلم، کار کودک یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه پدیده‌ای است که با فقر، مهاجرت، نابرابری اجتماعی و ضعف حمایت‌های نهادی پیوند خورده است.

نتایج تحلیل محتوای پژوهش نیز این برداشت را تأیید می‌کند.

تحلیل تطبیقی دو فیلم نشان می‌دهد که اگرچه شیوه‌ی بازنمایی استثمار در آن‌ها متفاوت است، اما هر دو اثر بر یک نکته مشترک تأکید دارند؛ کودکان کار مسئول وضعیت خود نیستند، بلکه قربانی شرایط اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی و ضعف نظام‌های حمایتی هستند. از این رو، روایت فیلم‌ها بیش از آنکه بر عملکرد فردی کودکان تمرکز داشته باشد، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی تولیدکننده کار کودک را به نقد می‌کشد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که استثمار اقتصادی پیامدهای گسترده‌ای بر سایر ابعاد زندگی کودکان دارد. محرومیت از آموزش، کاهش فرصت‌های رشد فردی، احساس ناامنی، محدود شدن روابط اجتماعی و آسیب‌پذیری در برابر خشونت، همگی از پیامدهای مستقیم یا غیرمستقیم اشتغال زودهنگام کودکان در هر دو فیلم هستند. بدین ترتیب، نقض حق مصونیت از استثمار، زمینه نقض بسیاری دیگر از حقوق بنیادین کودکان را نیز فراهم می‌سازد. درمجموع، دو فیلم «دونده» و «خورشید» تصویری انتقادی از پدیده کار کودک ارائه می‌کنند و استثمار اقتصادی را نه به عنوان یک مسئله فردی، بلکه به عنوان نتیجه فقر، نابرابری و ناکارآمدی ساختارهای حمایتی جامعه بازنمایی می‌کنند. از این منظر، هر دو اثر بر ضرورت مداخله نهادهای مسئول، حمایت از خانواده‌های آسیب‌پذیر و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای کودکان تأکید دارند تا زمینه‌ی تحقق حقوق بنیادین آنان فراهم شود.

۴-۵. جمع‌بندی تطبیقی یافته‌ها

تحلیل تطبیقی دو فیلم «دونده» و «خورشید» نشان می‌دهد که اگرچه این دو اثر در دو دوره‌ی زمانی متفاوت و در بسترهای اجتماعی متمایز تولید شده‌اند، اما در بازنمایی وضعیت کودکان کار دارای اشتراکات قابل توجهی هستند. هر دو فیلم، کار کودک را نه به عنوان انتخاب یا ویژگی فردی کودکان، بلکه به عنوان پیامد فقر، نابرابری اجتماعی، ضعف حمایت‌های نهادی و محرومیت از حقوق بنیادین به تصویر می‌کشند. از این منظر، روایت هر دو اثر بر نقد ساختارهای اجتماعی و اقتصادی‌ای استوار است که زمینه‌ی تداوم کار کودک را فراهم می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان داد که در هر دو فیلم، حق آموزش جایگاهی محوری دارد و آموزش به عنوان مهم‌ترین عامل توانمندسازی کودکان و گسستن چرخه‌ی فقر و محرومیت بازنمایی می‌شود. با این حال، تفاوت اصلی دو فیلم در نحوه‌ی تبیین این حق است؛ در فیلم «دونده» دستیابی به آموزش بیشتر حاصل اراده، پشتکار و تلاش فردی شخصیت اصلی است، درحالی‌که در فیلم «خورشید»، آموزش در پیوند با نقش مدرسه، حمایت‌های اجتماعی و مسئولیت نهادهای رسمی معنا پیدا می‌کند. این تفاوت بیانگر تغییر

نگرش سینمای اجتماعی ایران از تأکید بر توانایی‌های فردی به توجه بیشتر به عوامل ساختاری و نهادی در تبیین مسایل کودکان کار است.

در زمینه‌ی حق امنیت و حمایت اجتماعی نیز هر دو فیلم تصویری از کودکانی ارایه می‌کنند که از حمایت کافی خانواده، جامعه و نهادهای مسئول برخوردار نیستند. با این حال، فیلم «خورشید» ابعاد گسترده‌تری از این محرومیت را به نمایش می‌گذارد و علاوه بر فقر، موضوعاتی همچون مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بی‌هویتی اجتماعی و ناکارآمدی نظام‌های حمایتی را نیز در روایت خود وارد می‌کند. در مقابل، فیلم «دونده» بیشتر بر تجربه‌ی فردی کودک و تلاش او برای سازگاری با شرایط دشوار زندگی تمرکز دارد.

در خصوص حق مصونیت از استثمار و بهره‌کشی، یافته‌ها نشان داد که این حق بیش از سایر حقوق در هر دو فیلم با نقض مواجه است و در عمل، زمینه‌ساز نقض بسیاری از حقوق دیگر کودکان نیز محسوب می‌شود. اشتغال زودهنگام، محرومیت از آموزش، محدود شدن فرصت‌های رشد، کاهش امنیت و افزایش آسیب‌پذیری اجتماعی، همگی پیامدهایی هستند که در هر دو فیلم به‌عنوان نتایج مستقیم یا غیرمستقیم استثمار اقتصادی کودکان بازنمایی شده‌اند. از این رو، می‌توان استدلال کرد که استثمار اقتصادی، محور اصلی بازنمایی کودکان کار در هر دو اثر است.

در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه میان دو فیلم از نظر زمان تولید، سبک روایت و شیوه‌ی شخصیت‌پردازی تفاوت‌هایی وجود دارد، اما هر دو اثر در ارایه تصویری انتقادی از وضعیت حقوق کودکان کار هم‌سو هستند. «دونده» با تمرکز بر اراده و تلاش فردی کودک، بر ظرفیت‌های شخصی برای غلبه بر محرومیت‌ها تأکید می‌کند، در حالی که «خورشید» با برجسته ساختن نقش نهادهای اجتماعی و شرایط ساختاری، تصویری پیچیده‌تر از علل و پیامدهای کار کودک ارایه می‌دهد. این تحول نشان می‌دهد که بازنمایی کودکان کار در سینمای اجتماعی ایران، از تأکید بر تجربه‌ی فردی به سمت تحلیل اجتماعی و ساختاری مسایل حرکت کرده است. برآیند کلی یافته‌ها بیانگر آن است که هر دو فیلم، کودکان کار را نه عامل آسیب‌های اجتماعی، بلکه قربانی شرایط نابرابر اقتصادی و اجتماعی معرفی می‌کنند. از این منظر، تحقق حقوق بنیادین کودکان مستلزم اقداماتی فراتر از حذف کار کودک است و نیازمند سیاست‌گذاری‌های حمایتی، گسترش دسترسی برابر به آموزش، تقویت نظام‌های حمایت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که سینمای اجتماعی ایران، دست‌کم در دو فیلم مورد بررسی، نقش مهمی در بازنمایی انتقادی وضعیت کودکان کار و جلب توجه افکار عمومی به ضرورت حمایت از حقوق آنان ایفا کرده است.

جدول ۲. رابطه‌ی اولویت‌های اجتماعی و نوع حقوق محروم‌شده‌ی کودکان کار در فیلم‌های مورد بررسی

اولویت اجتماعی در صحنه	حق امنیت	حق آموزش رایگان	حق تفریح	حق بهداشت و تغذیه مناسب	حق مصونیت از استثمار	سایر حقوق	جمع
خدمت‌رسانی	تعداد	۳	۲	۱	۰	۰	۶
درصد درون اولویت اجتماعی در صحنه	۵۰٫۰٪	۳۳٫۳٪	۱۶٫۷٪	۰٫۰٪	۰٫۰٪	۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪
درصد درون نوع حق محروم‌شده	۳۳٫۳٪	۲۲٫۲٪	۱۴٫۳٪	۰٫۰٪	۰٫۰٪	۰٫۰٪	۱۴٫۳٪
درصد از کل	۷٫۱٪	۴٫۸٪	۲٫۴٪	۰٫۰٪	۰٫۰٪	۰٫۰٪	۱۴٫۳٪

اولویت اجتماعی در صحنه	حق امنیت	حق آموزش رایگان	حق تفریح	حق بهداشت و تغذیه مناسب	حق مصونیت از استثمار	سایر حقوق	جمع
عدالت اجتماعی	تعداد	۳	۰	۳	۰	۱	۱۲
	درصد درون اولویت اجتماعی در صحنه	٪۲۵٫۰	٪۰٫۰	٪۲۵٫۰	٪۰٫۰	٪۸٫۳	٪۱۰۰٫۰
	درصد درون نوع حق محروم شده	٪۳۳٫۳	٪۰٫۰	٪۴۲٫۹	٪۰٫۰	٪۱۶٫۷	٪۲۸٫۶
	درصد از کل	٪۷٫۱	٪۰٫۰	٪۷٫۱	٪۰٫۰	٪۲٫۴	٪۲۸٫۶
جامعه سالم	تعداد	۲	۰	۰	۴	۲	۸
	درصد درون اولویت اجتماعی در صحنه	٪۲۵٫۰	٪۰٫۰	٪۰٫۰	٪۵۰٫۰	٪۲۵٫۰	٪۱۰۰٫۰
	درصد درون نوع حق محروم شده	٪۲۲٫۲	٪۰٫۰	٪۰٫۰	٪۴۰٫۰	٪۳۳٫۳	٪۱۹٫۰
	درصد از کل	٪۴٫۸	٪۰٫۰	٪۰٫۰	٪۹٫۵	٪۴٫۸	٪۱۹٫۰
تربیت و آموزش	تعداد	۱	۶	۰	۰	۲	۹
	درصد درون اولویت اجتماعی در صحنه	٪۱۱٫۱	٪۶۶٫۷	٪۰٫۰	٪۰٫۰	٪۲۲٫۲	٪۱۰۰٫۰
	درصد درون نوع حق محروم شده	٪۱۱٫۱	٪۶۶٫۷	٪۰٫۰	٪۰٫۰	٪۳۳٫۳	٪۲۱٫۴
	درصد از کل	٪۲٫۴	٪۱۴٫۳	٪۰٫۰	٪۰٫۰	٪۴٫۸	٪۲۱٫۴
اوقات فراغت و ورزش	تعداد	۰	۰	۳	۰	۱	۴
	درصد درون اولویت اجتماعی در صحنه	٪۰٫۰	٪۰٫۰	٪۷۵٫۰	٪۰٫۰	٪۲۵٫۰	٪۱۰۰٫۰
	درصد درون نوع حق محروم شده	٪۰٫۰	٪۰٫۰	٪۴۲٫۹	٪۰٫۰	٪۱۶٫۷	٪۹٫۵
	درصد از کل	٪۰٫۰	٪۰٫۰	٪۷٫۱	٪۰٫۰	٪۲٫۴	٪۹٫۵
سایر	تعداد	۰	۱	۰	۱	۰	۳
	درصد درون اولویت اجتماعی در صحنه	٪۰٫۰	٪۳۳٫۳	٪۰٫۰	٪۳۳٫۳	٪۰٫۰	٪۱۰۰٫۰
	درصد درون نوع حق محروم شده	٪۰٫۰	٪۱۱٫۱	٪۰٫۰	٪۱۰۰٫۰	٪۰٫۰	٪۷٫۱
	درصد از کل	٪۰٫۰	٪۲٫۴	٪۰٫۰	٪۲٫۴	٪۰٫۰	٪۷٫۱
جمع	تعداد	۹	۹	۷	۱	۶	۴۲
	درصد درون اولویت اجتماعی در صحنه	٪۲۱٫۴	٪۲۱٫۴	٪۱۶٫۷	٪۲٫۴	٪۲۳٫۸	٪۱۰۰٫۰

اولویت اجتماعی در صحنه	حق امنیت	حق آموزش رایگان	حق تفریح	حق بهداشت و تغذیه مناسب	حق مصونیت از استثمار	سایر حقوق	جمع
درصد درون نوع حق محروم شده	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰
درصد از کل	%۲۱,۴	%۲۱,۴	%۱۶,۷	%۲,۴	%۲۳,۸	%۱۴,۳	%۱۰۰,۰

۵- بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی بازنمایی حقوق کودکان کار در دو فیلم «دونده» و «خورشید» انجام شد. برای این منظور، با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی، ابعاد مختلف حقوق کودکان بر اساس اصول مندرج در کنوانسیون حقوق کودک در این دو اثر سینمایی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که اگرچه این دو فیلم در دوره‌های زمانی متفاوت و با رویکردهای روایی متمایز ساخته شده‌اند، اما در بازنمایی وضعیت کودکان کار، اشتراکات قابل توجهی دارند و هر دو تصویری انتقادی از شرایط زندگی این کودکان ارائه می‌کنند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که در هر دو فیلم، حق آموزش یکی از مهم‌ترین حقوق بازنمایی شده است. آموزش در هر دو اثر به عنوان راهکاری برای رهایی از چرخه فقر، محرومیت و کار کودک معرفی می‌شود. با این حال، تفاوت اساسی دو فیلم در نحوه بازنمایی این حق است؛ در فیلم «دونده»، آموزش بیشتر حاصل انگیزه، اراده و تلاش فردی شخصیت اصلی است، در حالی که در فیلم «خورشید»، آموزش در پیوند با نقش مدرسه، نهادهای آموزشی و ضرورت حمایت‌های اجتماعی معنا پیدا می‌کند. این تفاوت را می‌توان بازتابی از تغییر نگرش سینمای اجتماعی ایران نسبت به مسئله کودکان کار دانست؛ به گونه‌ای که در آثار متأخر، عوامل ساختاری و نهادی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در زمینه حق امنیت و حمایت اجتماعی نیز یافته‌ها نشان داد که کودکان کار در هر دو فیلم از حمایت کافی خانواده، جامعه و نهادهای مسئول برخوردار نیستند. در فیلم «دونده»، ناامنی بیشتر در قالب فقر، بی‌سرپرستی و تلاش فردی برای بقا بازنمایی می‌شود، در حالی که فیلم «خورشید» علاوه بر این موارد، پیامدهای مهاجرت، حاشیه‌نشینی، ضعف نظام‌های حمایتی و آسیب‌های اجتماعی را نیز به تصویر می‌کشد. این یافته نشان می‌دهد که کار کودک در هر دو اثر، نتیجه‌ی مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و نمی‌توان آن را به انتخاب یا رفتار فردی کودکان نسبت داد.

همچنین نتایج پژوهش بیانگر آن است که حق مصونیت از استثمار و بهره‌کشی بیش از سایر حقوق با نقض مواجه است. هر دو فیلم نشان می‌دهند که اشتغال زودهنگام کودکان، آنان را از بسیاری از حقوق اساسی از جمله آموزش، امنیت، رشد متوازن و فرصت‌های طبیعی دوران کودکی محروم می‌سازد. از این منظر، استثمار اقتصادی نه تنها یک آسیب مستقل، بلکه عاملی است که زمینه‌ی نقض سایر حقوق کودکان را نیز فراهم می‌کند. از دیگر یافته‌های مهم پژوهش، نحوه شخصیت‌پردازی کودکان کار در دو فیلم است. برخلاف برخی کلیشه‌های رایج، کودکان کار در هر دو اثر افرادی مسئولیت‌پذیر، تلاشگر و دارای انگیزه برای تغییر شرایط زندگی خود معرفی می‌شوند. آنان بیش از آنکه عامل ایجاد آسیب‌های اجتماعی باشند، قربانی ساختارهای نابرابر اقتصادی و اجتماعی هستند. این رویکرد، نگاه انسانی‌تری به مسئله کودکان کار ارائه می‌دهد و بر مسئولیت جامعه و نهادهای تصمیم‌گیر در حمایت از این گروه آسیب‌پذیر تأکید می‌کند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سینمای اجتماعی ایران، دست‌کم در دو فیلم مورد بررسی، نقش مهمی در بازنمایی انتقادی وضعیت کودکان کار و آگاهی بخشی درباره حقوق آنان ایفا می‌کند. اگرچه میان «دونده» و «خورشید» از نظر شیوه‌ی روایت، بستر زمانی و نحوه پرداخت به مسایل تفاوت‌هایی وجود دارد، اما هر دو اثر بر این نکته تأکید دارند که تحقق حقوق کودکان مستلزم اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، گسترش حمایت‌های نهادی و فراهم شدن فرصت‌های برابر آموزشی و رفاهی است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که بازنمایی حقوق کودکان در سینمای

اجتماعی ایران از تأکید بر تجربه فردی به سمت تحلیل عوامل ساختاری و اجتماعی حرکت کرده و این تحول می تواند در ارتقای آگاهی عمومی و تقویت گفتمان حمایت از حقوق کودکان نقش مؤثری ایفا کند.

۱-۵. پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارایه می شود:

- فیلم سازان و تولیدکنندگان آثار سینمایی، در کنار نمایش آسیب های ناشی از کار کودک، نمونه هایی از مداخلات موفق حمایتی، آموزشی و اجتماعی را نیز بازنمایی کنند تا تصویر جامع تری از راهکارهای کاهش این پدیده ارایه شود.
- نهادهای فرهنگی و سیاست گذاران حوزه ی کودک، از ظرفیت سینمای اجتماعی برای افزایش آگاهی عمومی نسبت به حقوق کودکان و پیامدهای کار کودک بهره گیرند.
- سازمان های متولی حمایت از کودکان، یافته های پژوهش های رسانه ای را در طراحی برنامه های آموزشی، فرهنگی و حمایتی مورد توجه قرار دهند تا ارتباط مؤثرتری میان سیاست گذاری و بازنمایی رسانه ای برقرار شود.
- به پژوهشگران پیشنهاد می شود در مطالعات آینده، بازنمایی حقوق کودکان را در سایر گونه های سینمایی، مجموعه های تلویزیونی و پلتفرم های نمایش خانگی نیز بررسی کنند تا امکان مقایسه میان رسانه های مختلف فراهم شود.
- انجام پژوهش های تطبیقی میان آثار سینمای ایران و سایر کشورها می تواند به شناخت دقیق تر تفاوت های فرهنگی و اجتماعی در بازنمایی حقوق کودکان کمک کند.
- پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده، علاوه بر تحلیل محتوای آثار سینمایی، دیدگاه مخاطبان، فیلم سازان و کارشناسان حوزه حقوق کودک نیز بررسی شود تا تصویر جامع تری از تأثیر رسانه بر نگرش جامعه نسبت به کودکان کار به دست آید.

۲-۵. محدودیت های پژوهش

این پژوهش تنها به تحلیل دو فیلم شاخص سینمای اجتماعی ایران محدود بوده است؛ بنابراین، تعمیم نتایج به تمام آثار سینمایی نیازمند احتیاط است. همچنین استفاده از روش تحلیل محتوای کمی، امکان بررسی عمیق برخی لایه های معنایی و تفسیری آثار را محدود می کند. از این رو، بهره گیری از روش های کیفی یا ترکیبی در پژوهش های آینده می تواند درک جامع تری از نحوه ی بازنمایی حقوق کودکان در آثار سینمایی فراهم سازد.

پیوست ها

نمونه دستورالعمل کدگذاری

مقوله های شماره ی ۱ تا ۱۰، مقوله های عام و مقوله های شماره ی ۱۱ تا ۲۰، مقوله های خاص تحلیل به شمار می روند.

ردیف	مقوله ها	زیرمقوله ها	شماره مقوله	خانه انتقالی در محیط Spss
۱	نام محصول	۱. دونه ۲. خورشید	C۱	۱
۲	تاریخ تولید	۱. سال ۱۳۶۳ ۲. سال ۱۳۹۸	C۲	۲
۳	شیوه‌ی ارابه	۱. داستانی ۲. مستند ۳. انیمیشن/ عروسکی ۴. سایر	C۳	۳
۴	نوع محصول	۱. داخلی ۲. خارجی	C۴	۴
۵	سرعت کنش های صحنه	۱. تند ۲. کند ۳. نه تند نه کند	C۵	۵
۶	پیام ارابه شده در صحنه	۱. توأم با موفقیت ۲. توأم با شکست ۳. نه شکست نه موفقیت	C۶	۶
۷	کارکرد رسانه‌ای	۱. هدایت و راهنمایی ۲. آموزشی و خبری ۳. شریعتی و تبلیغی ۴. منازعه و جنگ (روانی) ۵. نظارت اجتماعی ۶. استقلال میراث های فرهنگی	C۷	۷
۸	رعایت اولویت های اجتماعی در صحنه	۱. خدمت رسانی ۲. عدالت اجتماعی ۳. الگوی زندگی دینی ۴. جامعه‌ی سالم ۵. تربیت و آموزش ۶. اوقات فراغت و ورزش ۷. سایر	C۸	۸
۹	نوع پیام ارابه شده	۱. امیدبخش ۲. مأیوس کننده	C۹	۹
۱۰	زبان غالب در صحنه	۱. زبان ادیبانه ۲. زبان روزنامه‌ای ۳. زبان مردم ۴. زبان بدآموز ۵. زبان غیرقابل فهم ۶. بدون دیالوگ	C۱۰	۱۰
۱۱	نوع کودک کار	۱. کودک آسیب پذیر در وضعیت دشوار ۲. کودک تحت حمایت ۳. کودک مستقل از خانواده ۴. کودک خیابانی	C۱۱	۱۱
۱۲	حمایت اجتماعی	۱. وجود دارد ۲. وجود ندارد	C۱۲	۱۲

۱۳	C۱۳	۱. فعال ۲. منفعل ۳. نامعلوم	نقش نهادهای حامی
۱۴	C۱۴	۱. تلاشگر ۲. منفعلانه ۳. پرخاشگرانه ۴. سایر	نوع برخورد کودک کار با مشکلات
۱۵	C۱۵	۱. صادقانه ۲. فریب کارانه ۳. نه صادقانه نه فریب کارانه	نوع برخورد کودک با دیگران
۱۶	C۱۶	۱. وجود دارد ۲. وجود ندارد	وجود روایت فرعی در صحنه
۱۷	C۱۷	۱. وجود دارد ۲. وجود ندارد	عنصر نمادین در صحنه
۱۸	C۱۸	۱. زبانی ۲. فیزیکی ۳. جنسی ۴. خشونت نیست	نوع بروز خشونت کودک
۱۹	C۱۹	۱. سوگیری منفی ۲. سوگیری مثبت ۳. سوگیری ندارد	جهت گیری به موضوع کودک کار
۲۰	C۲۰	۱. حق برخورداری از امنیت ۲. حق برخورداری از آموزش رایگان ۳. حق برخورداری از فرصت تفریح ۴. حق برخورداری از بهداشت و تغذیه مناسب ۵. حق مصون بودن در برابر استثمار و بهره کشی ۶. حق مصون بودن در برابر سوء استفاده در حمل مواد مخدر؛ ۷. حق مصون بودن در برابر پورنوگرافی و استثمار جنسی؛ ۸. سایر حقوق	نوع حقوق محروم شده

فهرست منابع

- حسینی؛ قاسم. (۱۳۹۳). «کار کودک چیست؟». سایت انجمن حمایت از کودکان کار.
- حسینی حسن. (۱۳۸۴). «وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران»، رفاه اجتماعی ۵ (۱۹): صفحه های ۱۷۴-۱۵۵. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1953-fa.html>
- حسینی؛ سید حسن. (۱۳۸۴). «وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. شماره (۱۹).
- حلفی؛ علی. (۱۳۸۷). «علل به وجود آورنده پدیده کودکان کار و خیابانی و اثرات و تبعات آن در پیکره جامعه». سایت انجمن حمایت از کودکان کار.
- رستگار، یاسر. آقابابایی، احسان و راسخی، زهرا. (۱۳۹۸). «بازنمایی مسایل اجتماعی در سینمای پس از انقلاب اسلامی ایران». پژوهش های راهبردی مسایل اجتماعی، ۸(۴)، صفحه های ۵۷-۷۴. doi: 10.22108/srsp.2020.117130.1407

- رستگار؛ یاسر، آقابابایی؛ احسان و زهرا؛ راستخی. (۱۳۹۸). «بازنمایی مسایل اجتماعی در سینمای پس از انقلاب اسلامی ایران». فصلنامه‌ی پژوهش‌های راهبردی مسایل اجتماعی ایران، شماره‌ی (۴) (شماره پیاپی ۲۷).
- رضایی؛ محمد، حسن‌پور؛ آرش و دانشگر؛ شیرین. (۱۳۹۲). بازنمایی طبقه و مناسبات طبقاتی در سینمای ایران: مطالعه‌ی موردی فیلم «جدایی نادر از سیمین». فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی ایران. دوره‌ی هفتم. شماره‌ی (۲).
- ریاحی، مسعود. (۱۳۹۲). بررسی فیلم «دونده»، کارگردان «امیر نادری». مجله چوک. <http://www.chouk.ir/magha-leh-naghd-gotogoo/4852-2013-09-30-05-45-26.html>
- زهتابیان، پریسا. (۱۴۰۱). «جامعه‌شناسی سینما. مجله آموزشی سینمایی دارالفنون». <https://darolfunon.com/> جامعه-شناسی-سینما/
- سیفی، حجت‌الله. (۱۴۰۴). سینمای کودک نیازمند بازگشت به سنت و اصالت. فرهنگ سدید. <https://farhangesadid.com/fa/news/11570>
- قاسم‌زادگان جهرمی، حمید. (۱۳۹۰). «آموزه‌های علوم تربیتی در سینمای کودک و نوجوان ایران». نشریه رشد آموزش هنر. <https://www.roshdmag.ir/fa/news/421>
- کشاورز افشار؛ مهدی و ایرانی؛ سمیه. (۱۴۰۲). «کودکان کار از نگاه سینما» (مطالعه‌ی موردی: فیلم خورشید). دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات مدیریت، فرهنگ و هنر.
- محمدی مهر، غلامرضا و بیچرانلو، عبدالله. (۱۳۹۲). «رویکرد فیلم‌های ایرانی برگزیده شده در جشنواره‌های بین‌المللی به مسایل اجتماعی ایران». فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۴(۲۱)، صفحه‌های ۷-۲۸.
- مددی، امیرعلی، شاکری خوئی، احسان و جوانپور هروی، عزیز. (۱۳۹۸). «چالش‌های سیاسی اجتماعی فقر و نابرابری در جمهوری اسلامی ایران». پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۹(۳)، ۲۴۹-۲۸۲. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴.irt/۱۰۹۲۶۰.۲۰۱۹
- مدیریت فرهنگی. (۱۳۹۶). گزارشی از نشست «سینمای اجتماعی: چالش‌ها و چشم‌اندازها». تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معتمدنژاد؛ کاظم و معتمدنژاد؛ رؤیا. (۱۳۸۶). حقوق ارتباطات. تهران: دفتر مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌ها.
- مهدی‌زاده؛ سیدمحمد. (۱۴۰۲). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: نشر همشهری. چاپ یازدهم.
- نادری، نیما. (۱۴۰۰). نقد فیلم خورشید | نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۱. زومجی. <https://www.zoomg.ir/movie-tv-show-review/334132-the-sun-movie-review>
- نقیب‌السادات، سیدرضا، کیا؛ علی‌اصغر، مؤذن‌زادگان؛ حسنعلی و شعبان؛ داریوش. (۱۴۰۳). «روایتگری قتل‌های سریالی در فیلم‌های سینمای ایران» (مطالعه‌ی موردی فیلم‌های سینمایی عنکبوت و طلاخون). فصلنامه علمی مطالعات راهبردی ارتباطات. سال چهارم. شماره‌ی (۱۱).
- نقیب‌السادات؛ سید رضا و شریفی؛ رسول. (۱۳۹۹). «بازنمایی الگوهای سبک زندگی در سریال‌های ترکی شبکه MBC۴» (مطالعه‌ی موردی: دو سریال نور و میرنا و خلیل). فصلنامه‌ی علوم خبری. سال نهم. شماره (۳۳).
- نقیب‌السادات؛ سید رضا. (۱۳۹۱). راهنمای عملی طرح‌نامه نویسی در روش تحلیل محتوا. تهران: نشر علم. چاپ اول.
- نوری راد، فاطمه. (۱۳۹۶). «نقش مغفول مانده‌ی سینمای ایران در جامعه‌پذیری کودکان». سینماپرس. <https://www.cine-mapress.ir/news/86843>
- هزارجریبی جعفر، مرادی‌نژاد الهام. (۱۴۰۳). «صدای فقر همه‌گستر در جامعه (فراترکیب مطالعات فقر در ایران: بازه‌ی زمانی سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۹۰) مسایل اجتماعی ایران» <https://jspi.khu.ac.ir/article-1-3695-fa.pdf>
- Aqababae, E. (2025). Ideology and social classes in twenty-first century Iranian cinema. In Cinema Iranica. Encyclopaedia Iranica Foundation. <https://cinema.iranicaonline.org/article/ideology-and-social-classes-in-twenty-first-century-iranian-cinema/>
- Moghaddasi, M. A., Maadani, S., & Kazemi Pour, S. (2024). Comparison of the Representation Rankings of Social Harms Threatening the Family Institution in Iranian Cinema during the 1990s and 2000s. Applied Family Therapy Journal, 5(1), 267-275. <http://dx.doi.org/10.61838/kman.ajt.5.1.29>